

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۴ فبروری ۲۰۱۸

مصالحه و آشتی بین "غنی" و "محقق"

روز گذشته رسانه های نزدیک به "محقق" اطلاع دادند که اختلاف بین "محقق" و "غنی" به اساس کوشش و میانجیگری "معصوم ستانکزی" و "حنیف اتمر" برطرف گردیده، و دیگر مشکلی بین شان وجود ندارد. خواندن چنین خبری که تنها رسانه های نزدیک به "محقق" آن را بازتاب دادند، در حالی که اگر واقعاً چنین "آشتی و صلحی" بین دو عضو خیره سر و لجوج حکومت دست ساخت "جان کری"، یعنی افراد متذکره به وجود می آمد، از آنجائی که هر دو طرف در بالا ترین مقامات دولت دست نشانده، موقعیت دارند و دعوی شان هم دعوا بین دو عضو یک حاکمیت بود، نه یک مسأله شخصی، می بایست خبر از طریق رسانه های دولت دست نشانده و رسانه های نزدیک به "غنی" نیز انعکاس می یافت. در هر صورت چه این خبر راست باشد و چه هم دروغ، نفس مسأله ایجاب می نماید تا نسبت به آن با دقت بیشتر برخورد صورت گیرد. در ذیل من برداشتهای خود را در زمینه می نگارم، به دوستانی که آن را اصلاح و یا تکمیل نمایند، از قبل سپاسمندی ام را ابراز می دارم.

تا جائی که شناخت از هر دو نفر یعنی "غنی" و "محقق" وجود دارد، مشکل و تضاد منافع آنها برخاسته از دعوی ملک و زمین و یا خانه و موتر نبود، تا خود به اساس میانجیگری این و یا آن بتوانند آن را رفع نمایند. بلکه اختلاف و تضاد آنها ریشه در تضاد باداران شان یعنی کشور های عربستان سعودی و رژیم "ولایت جهل" داشت. به عبارت دیگر این هر دو با آن که از لحاظ اخلاقی انسان های خیره سر و لجوج هستند، مگر در عین زمان هر دو نفر جاسوس کشور های بیگانه نیز می باشند. به همان سانی که "غنی" جاسوس امریکا و اسرائیل است و به اساس اشتراک منافع بین این دو کشور با عربستان سعودی، مستقیماً در خدمت نهاد های امنیتی سعودی نیز قرار دارد، "محقق" یک تن از جواسیس سرسپرده رژیم "ولایت جهل" بوده، تمام کردار و اعمالش متناسب با دساتیريست که از طرف آن رژیم صادر می گردد. در نتیجه وقتی این دو جاسوس از لحاظ شخصیتی خیره سر و لجوج، دم از صلح و آشتی می زنند، کسی که با مغز خود می اندیشد، گذشته از آن که آن خبر برایش سؤال برانگیز می باید باشد، ضرورتاً می باید مغز خود را به کار انداخته، چرائی چنین روندی را نزد خود طرح و در صدد یافتن پاسخ مناسب برایش برآید.

این چرائی زمانی اهمیت خاص می یابد که می بینیم روابط بین باداران نه تنها بهبود نیافته و تشنج بین آنها کم نشده بلکه تشنج بین آنها آنقدر اوج گرفته، که اگر فردا یکی از طرفین بر دیگری حملات نظامی اش را آغاز نماید، کسی تعجب نخواهد کرد. به همین لحاظ درک چرائی صلح طلبی هر دو طرف اهمیت خاصی می یابد. در اینجا قبل از آن که به

چرائی آشتی بپردازیم به اجازه خوانندگان گرامی نخست خیلی مختصر روند اختلاف بین "غنی" و "محقق" را نقطه گذاری می نمایم:

۱- از این که آنها بنا بر مواضع ایدئولوژیک شان که یکی ره به شوونیزم می برد و آن دیگری راسیزم، حتا قبل از شرکت در انتخابات تقلبی بالقوه با یک دیگر اختلاف داشتند و این اختلاف بعد از تقلب در انتخابات تقلبی شدت یافت می گذریم، آغاز اختلاف جدی و علنی آنها را می شود، به بعد از حمله عربستان سعودی بر یمن و اعلام حمایت "غنی" از آن تجاوز که با عکس العمل شدید "محقق" و رئیس اجرائیه مواجه شد به عقب برد. بعد از آن کاملاً روشن بود که آن دو جاسوس نمی توانند با یک دیگر کار نمایند، مگر ضرورت حفظ حکومت دوسره، ایجاب می نمود، تا طرفین همدیگر را تحمل نمایند.

این تحمل زمانی به انتهای خود رسید که "محقق" در کنفرانس "بیداری اسلامی" در تهران از "الشکر فاطمیون" قدر دانی نمود. هر چند "غنی" در همان مقطع از طریق دامن زدن به قضیه به وسیله رسانه های وابسته به خودش تا توانست، در جهت تخریب "محقق" ذهنیت سازی نمود و آشکارا اعلام داشت که جای چنین افرادی در حکومت وی نیست، مگر موضعگیری خشن شخص "محقق" که دوام حکومت را با شرکت خودش در حکومت گره زد و دفاع "عبدالله" از وی، مانع از آن شد که "غنی" بتواند وی را نیز مانند "دوستم" پشت نخود سیاه بفرستد. از آن تاریخ به بعد هرچه به ارتباط مناسبات دو طرف به گوش می رسید، حکایت از تشدید تضاد و اختلاف بین آنها و توطئه علیه یک دیگر بود، تا دیروز که خبر آشتی پخش گردید.

۲- از آن جایی که هر دو طرف جاسوس و نوکر دو قدرت متخاصم منطقه ئی و جهانی هستند، لذا همان طور که نمی توانند به اراده خود با یک دیگر جنگ و دعوا راه بیندازند، به همان سان نمی توانند بدون مشوره و حتا دستور بادران شان با یک دیگر آشتی نمایند. در نتیجه وقتی آنها دم از آشتی می زنند:

الف- آیا بادران شان در خفاء با یک دیگر آشتی نموده که این ها نیز با هم آشتی کرده اند؟

ب- آیا یکی از طرفین موضعش را تغییر داده با بریدن از بادر قدیم، در خدمت بادر طرف مقابل در آمده است؟

پ- آیا یکی از آنها دیگری را اغفال نموده، در ظاهر با رفتن به سمت آشتی، در واقعیت امر قصد کشتن طرف مقابل را نموده است؟

ت- به اجازه ارباب دست به چنین کاری زده، تا در موقع لازم با چرخش مجدد ۱۸۰ درجه، حریف را بیشتر آسیب برساند؟

ث - "غنی" بخواهد با این آشتی، ضمن رخنه در بین دشمن، اگر قادر نگردد دسترسی به "الشکر فاطمیون" را برایش فراهم نماید، حد اقل آن را بیطرف سازد؟

۳- این را هم می دانیم که اختلاف بین "غنی" و "محقق" به تضاد بادران شان محدود نمانده، در عرصه های دیگری به خصوص در مناسبات داخلی نیز گسترش یافته است، از جمله شرکت "محقق" در "ائتلاف نجات" که تعهد در قبال "دوستم" و "عطاء" را با خود دارد و مخالفت خونین "غنی" با آن ائتلاف، پذیرش آشتی و مصالحه را بعید می سازد، مگر این که:

الف- "محقق" به مانند گذشته ها که در مقابل کسب امتیازی چند، دوستانش را فروخته است، بار دیگر به عین عمل دست یازیده، با فروش "عطاء" و "دوستم" بخواهد به میلیونها دالر دست یابد؟

ب - "غنی" به وسیله نمایش آشتی- راست یا دروغ مهم نیست- خواسته باشد، بذر نفاق و شقاق را بین "ائتلاف نجات" تزییق نموده، با استفاده ابزاری از افراد مربوط به "محقق" در مزار و سرپل پشت "عطاء" را خالی نموده، بدان وسیله در مذاکراتی که افرادش با "جمعیت اسلامی" دارند با دست بالا شرکت نموده، جمعیت را وادار به عقب نشینی نماید.

۴- نباید فراموش نمود که اختلاف بین "غنی" و "محقق" به آنچه تا حال گفته شد محدود نمانده، روابط بین "محقق" در یک طرف و "خلیلی" و "دانش" در طرف دیگر را نیز به شدت خراب نموده است. در نتیجه وقتی "غنی" بخواهد با "محقق" آشتی نماید، مسائل آتی نیز مطرح می گردد:

الف- در تضادی که بین "محقق" و دو رفیقش وجود دارد، "غنی" سمت کدام یک را خواهد گرفت، "محقق" سرکش و خیره سر و یا آن دو گوسپندی گپ شنو. معلوم است که اتخاذ هر یک، نکات مثبت و منفی خود را دارد.

ب- گیریم که "غنی" به دستور ارباب و یا هم شخص خودش بخواهد، که تضاد میان "محقق" را با "خلیلی" و "دانش" کاهش داده بین آنها نیز صلح برقرار کند، این کار در اساس با ستراتیژی حاکمیت که تشدید نفاق و شقاق بین اقوام مختلف و حتا یک قوم واحد است در مغایرت قرار خواهد گرفت. امری که احتمال آن وجود دارد در صورت تحقق یافتن، در موقع لازم به مرگ حاکمیت تمام شود.

۵- این که دیدار و عقد صلح با "محقق" بخشی از برنامه بزرگتر "غنی" باشد که این روز ها می خواهد خلاف ماه های اول حاکمیتش که می خواست فوسیل های جهادی را مطلقاً از قدرت کنار بزند و در این سیاست تا جایی پیش رفت، که فوسیل های جهادی زیر نام "شورای حراست و ثبات" ناگزیر طرح یک تشکل لرزان بین خود را ریختند، مجدداً آن فوسیل ها را بر سرکار آورد، که اگر چنین است، آیا:

الف- می خواهد با تکیه بر سایر فوسیل ها از قماش "گلبدین"، "سیاف"، "مجددی"، "خلیلی" و... جبهه متحدی علیه "جمعیت اسلامی" ترتیب داده بعد از ختم کار جمعیت، به سراغ متحدین فعلی اش برود؟

ب- همان طوری که گفته می شود، تصمیم دارد با ایجاد "شورای قیادی" دور دیگر انتخابات را ملغا اعلام نموده به حمایت از فوسیل های جهادی و اشغالگران به خصوص امپریالیزم جنایتگستر امریکا، به مانند پینوچه ها، سوهارتو ها و مارکوس ها رئیس جمهور دایم العمر در افغانستان گردد؟

و....